



یوحنا قمیر

فیلسوفان مسلمان

أبو العلاء المعری

به همراه کنزیده‌ای از متون



ترجمهٔ زینب حکیمی تهرانی

مقدمه و ویرایش: دکتر سید عباس ذهبی



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه :	قمیر، یوخنا
عنوان و نام پدیدآور :	ابوالعلاء معری (به همراه گزیده‌ای از متون)/ یوخنا قمیر / ترجمه زینب حکیمی تهرانی.
مشخصات نشر :	تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری :	۱۷۶ص.
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۳۵۳-۰۰۸۳-۷
فروست :	فیلسوفان مللمان؛ ۵.
وضعیت فهرست‌نویسی :	قیفا.
موضوع :	شاعران عرب-- قرن ۵ ق. فیلسوفان اسلامی. فلسفه اسلامی. شعر عربی
موضوع :	ابوالعلاء معری، احمد بن عبدالله، ۳۶۳-۴۲۹ ق.
شناسه افزوده :	حکیمی تهرانی، زینب، ۱۳۶۳-، مترجم.
شناسه افزوده :	ذهبی، دکتر سید عباس، مقدمه‌نویس، ویراستار.
رده‌بندی کتاب :	۱۳۹۱ ۲۰۳۳ الف ۸ ق/ PJAT887
رده‌بندی دیویر :	۸۹۲/۷۸۳۴
شماره کتاب‌شناسی ملی :	۲۹۸۹۶۷۲



■ ابوالعلاء معری

یوخنا قمیر	ترجمه زینب حکیمی تهرانی
مقدمه و ویرایش:	دکتر سید عباس ذهبی
دبیر مجموعه:	دکتر سید مرتضی حسینی
آماده‌سازی و تولید:	بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
طراحی گرافیک: پرویز بیانی	چاپ و صحافی: الفبا
نوبت و شمارگان: چاپ اول، ۱۳۹۴	۱۱۰۰ نسخه، ۱۰۵۰۰ تومان

هرگونه بهره‌برداری از کتاب بدون اجازه ناشر ممنوع است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

● تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.

طبقه دوم، تلفن: ۶۶۴۷۷۴۰۵

● www.parsehbook.com / info@parsehbook.com ●

فهرست

۹	مقدمه‌ی ویواستار.....
۲۳	سخن مترجم.....
۲۹	آیا ابوالعلاء فیلسوف است؟.....
۳۱	مقدمه.....
۳۵	آن شب ابوالعلاء.....
۴۰	الف: خیر کجاست.....
۴۳	ب: سعادت و خوشبختی کجاست.....
۴۴	ج: حق کجاست.....
۵۱	آن صبحدم ابوالعلاء.....
۵۱	۱. مشکل عقلی.....
۵۵	۲. مشکل احساسی.....
۶۱	خلاصه و نقد.....
۶۱	۱. بدینی.....
۶۳	۲. شک و تردید.....
۶۷	گزیده‌ی متون.....
۶۹	جستارهایی از «لزومیات».....
۶۹	الف: خیر کجاست.....
۷۳	فساد سیاست.....
۷۵	انحراف ادیان و فساد پیروان آنها.....
۸۲	فساد زن.....
۹۰	ب: خوشبختی کجاست.....
۹۳	ج: حق کجاست.....
۹۴	سرنوشت چیست؟.....

۹۹	 میان جبر و اختیار
۱۰۱	 د: نجات
۱۰۶	 و پرندگان را غمگین نکن
۱۰۹	 و فقر و تنگدستی
۱۱۱	 یکسان‌ها
۱۱۵	 جستارهایی از «رسالة الغفران»
۱۱۷	 ضیافتی در بهشت
۱۲۰	 بعد از ضیافت
۱۲۳	 آدم و سرودن شعر
۱۲۵	 مثنوی
۱۲۷	 حلاج
۱۲۹	 تقلید
۱۳۰	 بی‌پروایی و سبک‌مغزی ابن رومی
۱۳۱	 به آن‌چه ایمان اعتقاد داری عمل کن!
۱۳۲	 گزیده‌ی مثنوی عربی
۱۷۵	 نمایه

مقدمه‌ی ویراستار

آغاز فلسفه آغاز خردورزی است و خردورزی تاریخ معینی ندارد؛ از این رو برای شکل‌گیری فلسفه به سختی بتوان قطعیّت تاریخی عرضه کرد. تحول اندیشه‌ی فلسفی هم‌چون پیوستگی روز و شب، در هم تنیده و به هم پیوسته است. نه نقطه‌ی شروع شب را می‌توان تشخیص داد و نه نقطه‌ی آغاز روز را و زمان تنها مقیاسی است برای نظم بخشیدن به زندگی و کَمّی کردن جهان؛ تا آدمی جایگاه خود را بفهمد و خود را در ادامه‌ی سرگذشت پیشینیان ببیند و سلف را در پرتو خلف و خلف را در پرتو سلف تفسیر کند.

از همین جاست که تاریخ اهمیت پیدا می‌کند و هویت‌بخش می‌شود و انسان در پی هویت خود به سراغ گذشته می‌رود و اندک‌اندک تاریخ خردورزی در جامه‌ی فلسفه عرضه می‌شود و فیلسوفان پای خود را از گلیم اسطوره به در می‌کشند و خود را هم‌چون نگین درخشان بر تارک زمان جای می‌دهند.

آنچه امروز «فلسفه‌ی اسلامی» خوانده می‌شود کم و بیش جریانی است با همین سرگذشت. نه نقطه‌ی آغاز قطعی و مشخصی می‌توان برایش معرفی کرد و نه حدود و ثغور آن را می‌توان به یقین شناخت؛ اما با شناختی قریب به یقین می‌توان در آن به تأمل نشست و چشم‌انداز پیش روی آن را نظاره‌گر بود.

هویت فلسفه‌ی اسلامی را هویت فیلسوفان مسلمان بدانیم یا ندانیم، در این تردیدی نیست که تاریخ فلسفه‌ی اسلامی تاریخ فیلسوفان مسلمان است و این

روایت، روایت موجود از تاریخ فلسفه‌ی اسلامی بوده و هست.

تاریخ فلسفه را به چند روایت می‌توان تقریر کرد؛ یکی تاریخ مسائل فلسفه است و دیگری مکاتب فلسفی؛ روایت سوم تاریخ فلسفه بر اساس تقدّم و تأخّر فیلسوفان است و روایت چهارم را شاید بتوان مجموعی از سه روایت پیشین دانست. آن چه در باب فلسفه‌ی اسلامی رخ داده است عمدتاً الگوی سوم است و شیوه‌ی این مجموعه هم، چنین است.

فلسفه‌ی اسلامی جریانی است که در رشد و پویایی خود از آبشخورهای متعدّدی بهره گرفته است و در تاریخ حیات خود اوج و حضیض‌های فراوان دیده است. در کنار نبوغ و استعداد فیلسوفان مسلمان و پیشینه‌ی عقلانیت به ویژه در سنت ایرانیان، دو عامل را می‌توان از عوامل مؤثر در شکوفایی و رشد فکر فلسفی در جهان اسلام دانست. عامل اول که به لحاظ تاریخی مقدّم است، پرسش‌ها و پاسخ‌هایی است که در باب برخی از مسائل دینی شکل گرفت و ذهن و زبان مسلمانان را به خود مشغول داشت و سبب بروز نخله‌های کلامی شد.

تاریخ علم کلام نشان می‌دهد که مباحث خداشناسی، انسان‌شناسی و جهان‌شناسی از همان سده‌ی نخست میان متفکران مسلمان شکل گرفت و رفته رفته پررنگ شد و از ساختار نقلی فاصله گرفت و به پرسش‌ها و مناظرات عقلانی بدل گردید. این مناظرات با حضور ملحدان و زندیقان در جامعه‌ی اسلامی شکل دیگری به خود گرفت و تولّد مجموعه‌ای از مبانی صرفاً عقلی را در پی داشت.

عامل دومی که در کنار این عامل ساختار فلسفه‌ی اسلامی را نظم بخشید و تعین تاریخی بدان داد، نهضت ترجمه بود. پیش از آن که نهضت ترجمه در اواخر سده‌ی دوم شکل بگیرد و از جانب حکومت حمایت شود، مسلمانان با برخی از نوشته‌های یونانی و ایرانی آشنا شده بودند؛ اما با سازماندهی مترجمان این دوره، مجموعه‌ی وسیعی از مکتوبات غیر عربی به زبان عربی ترجمه شد و در اختیار دانش‌پژوهان مسلمان قرار گرفت. بخش عظیمی از این مکتوبات به فلسفه‌ی یونان باستان و شارحان این فلسفه اختصاص یافت. همین امر چشم‌اندازی جدید را

برای متفکران اسلامی گشود.

مباحث علمی پیشین که فرآورده‌ی مناظرات کلامی بود، با این آموزه‌های نوظهور ترکیب شد و خامی آن به پختگی بدل گشت و هم‌چون ماده‌ای که قبلاً بدون صورت بود، صورتی نوین یافت و با چاشنی تبوغ و استعداد چهره‌های ممتازی چون کندی و فارابی و ابن‌سینا در آمیخت تا بدین‌گونه فلسفه‌ی اسلامی در بستر تاریخ متولد شد.

هیچ اندیشه‌ای در خلأ متولد نمی‌شود. فلسفه‌ی اسلامی هم از این قاعده مستثنی نیست و از منابع فکری پیش از خود استفاده کرده است؛ اما این استفاده و برخورداری، گاهی به شکل غیرمنصفانه‌ای تفسیر شده است. مخالفان امروزی فلسفه‌ی اسلامی عمدتاً دو دسته‌اند؛ عده‌ای که این فلسفه را همان فلسفه‌ی یونان می‌دانند و برای آن جایگاهی بیش از شرح و توضیح آن فلسفه قائل نیستند و از این منظر اصطلاح «فلسفه‌ی اسلامی» را نادرست خوانده و آن را ترکیبی خودستیز معرفی می‌کنند.

دسته‌ی دوم کسانی هستند که فلسفه‌ی اسلامی را از حیث فلسفی بودن آن نقد کرده و آن را صورت دیگری از علم کلام می‌دانند؛ شأیت کلامی برای آن قائل‌اند و فیلسوفان مسلمان را متکلم می‌خوانند.

صرف‌نظر از این پرسش که «فلسفه‌ی اسلامی چیست؟» و این‌که آیا این ترکیب، ترکیبی تناقض‌نما و خودستیز است یا ترکیبی معقول و پذیرفتنی — که البته تحلیل هر دو مجالی قراخ و نوشته‌ای مستقل می‌طلبد — در مقایسه‌ی دیدگاه دسته‌ی اول و دسته‌ی دوم یک نکته روشن می‌شود و آن این است که این دو دسته با هم تعارض دارند.

دسته‌ی دوم با استناد کلی به برخی آموزه‌های دینی موجود در آثار فیلسوفان مسلمان هم‌چون بحث‌های خداشناسی و آخرت‌شناسی، این فلسفه را یکسره کلام می‌خوانند شأیت فلسفی برای آن قائل نیستند؛ درحالی‌که دسته‌ی اول از آن رو که این فلسفه رونوشتی از فلسفه‌ی یونان است به سرزنش و توبیخ آن می‌پردازند. اگر فلسفه‌ی اسلامی همان فلسفه‌ی یونان است؛ پس فلسفه است نه کلام؛ و این جدال و کشمکش ابتدا باید میان این دو دسته حل گردد تا بعد پای فلسفه‌ی اسلامی به محکمه‌ی قضاوت کشیده شود.